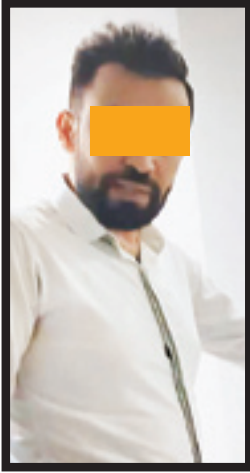


جراح قلبی بالاخره بازداشت شد



مهدی عربلو، فردی که بدون هیچ مدرک پزشکی خود را «جراح زیبایی» معرفی می‌کرد و طی سال‌ها ده‌ها عمل غیرقانونی انجام داده بود، پس از ماه‌ها تعقیب پلیس دستگیر شد. نام مهدی عربلو خرداد اسمال در فهرست افراد فاقد صلاحیت سازمان نظام پزشکی اعلام شده‌بود و پلیس فتا نیز مردادماه با انتشار تصویر او از مردم برای شناسایی کمک خواست. عربلو با مدرک دیپلم در مطب‌ها و حتی برخی

بیمارستان‌ها جراحی انجام می‌داد و شکایت‌های گسترده‌ای از آسیب‌های غیرقابل ترمیم به ثبت رسیده‌است. برخی پزشکان نیز با قرار دادن مهر و امکانات خود در اختیار او، در فعالیت‌هایش نقش داشته‌اند؛ یکی از اتاق‌های جراحی مرتبط نیز پلمب شده‌است.

اجاره دادن خانه‌های لوکس مردم باسند‌های جعلی

کار آگاهان پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران بزرگ در عملیاتی غافلگیرانه، اعضای بانده حرفه‌ای جعل و کلاهبرداری ملکی را که با اسندهای جعلی و مالکان صوری اقدام به اجاره‌دادن واحدهای لوکس می‌کردند، دستگیر کردند. سرکرده این شبکه، فردی به نام «کامران» بود که عملیات را از داخل زندان هدایت می‌کرد. به گزارش «جوان»، سرهنگ کارآگاه سعید مجیدی، معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی پایتخت گفت: ۱۳ مهر ۱۴۰۴ مردی به نام «کامران» به مراجعه اعلام کرد پس از مراجعه به یک مشاور املاک در کامرانیه و انعقاد قرارداد با زنی به نام «سارا»، مبلغ ۳ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان به حساب او واریز کرده‌است. اما هنگام تحویل ملک مشخص شده که واحد متعلق به فرد دیگری است. مجیدی افزود: «در بررسی تراکنش‌ها مشخص شد متهمه مبلغ را به حساب فردی به نام محسن منتقل کرده است. با دستور قضایی، حساب مذکور مسدود و محسن – که مدیر یک صرافی بود – احضار شد. بررسی تصاویر دوربین‌های صرافی منجر به شناسایی دوست سارا و همدمشانش شد.» به گفته این مقام پلیس، ردگیری‌ها نشان داد سارا در شهریار مخفی شده‌است. با اخذ نیاات قضایی، کارآگاهان برای بررسی به محل اعزام شدند. هم‌زمان مشخص شد متهمه بار دیگر آگهی اجاره جعلی در سایت‌های ملکی منتشر کرده‌است.

«دخترها تکمیلی نشان داد انداز ما این پلند توسط شخصی به نام کامران از داخل زندان انجام می‌شده‌است. وی با دستور قضایی منتقل شد و پس از روبه‌رو شدن با متهمان، نقش خود را تأیید کرد. معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی در پایان اعلام کرد: «با تکمیل تحقیقات اولیه، متهمان برای سیر مراحل قانونی در اختیار مرج قضایی قرار گرفتند»

جای پیشگیری از اعتیاد در سریال‌های خانگی خالی است

معاون پیشگیری و درمان ستاد مبارزه با مواد مخدر با انتقاد از کمرنگ بودن موضوع پیشگیری از اعتیاد در شبکه نمایش خانگی، پر ضرورت تولید محتوا در فضایی مجازی و آثار نمایشی برای آگاهی بخشی به نوجوانان تأکید کرد. به گزارش «جوان» دکتر امیرحسین باوری در جلسه کمیته ملی فرهنگی و پیشگیری باانتقاداز نبودسکانس‌ها و پیام‌های آموزشی در سریال‌ها و تولیدات شبکه نمایش خانگی گفت: «فرزندان ما باید در قیلم‌ها و برنامه‌ها جملات و پیام‌هایی درباره پیشگیری از اعتیاد دریافت کنند، اما اکنون جای این محتوا خالی است.» معاون ستاد با تأکید بر نقش فضای مجازی در آموزش نوجوانان گفت: «باید تمرکز دستگاه‌ها تولید محتوای هدفمند در حوزه مجازی باشد؛ چون فرزندان ما بیشتر وقت خود را با تلفن همراه می‌گذرانند.» او همچنین اعلام کرد: «اگر دستگاه‌ها طرح‌های انریکشی در حوزه پیشگیری ارائه دهند، بودجه لازم برای اجرای آنها تأمین خواهد شد.» باوری با اشاره به لزوم تشکیل کارگروه‌ای تخصصی ذیل کمیته ملی فرهنگی و پیشگیری گفت: «باید با هر اقدام مؤثر، انگ بر رشداعتیاد را کاهش دهیم.»

مردم مانع ربودن برج‌ساز شدند

■ آرمین بیبا

مرد برج‌ساز تهرانی که با چند نفر پدر سر یک پروژه ساختمانی اختلاف مالی داشت، وقتی هدف آدم‌ربایی قرار گرفت، همفید ماجرا به همان اختلاف حساب‌ها مربوط است. سه مرد نقاب‌دار قصد داشتند او را به زور سوار خودرو کنند تا از او سند سفید امضا بگیرند، اما نقشه نشان با حضور مردم ناکام ماند. چند روز قبل، مرد تروتمندی براسبسیه به اداره پلیس تهران رفت و از چند مرد به اتهام اقدام به آدم‌ربایی شکایت کرد. او گفت: «من برج‌ساز هستم و وضع مالی خوبی دارم. پروژه‌های زیادی در خیابان‌های شمالی و غربی تهران انجام داده‌ام و در یکی از پروژه‌های مسکونی با چند نفر اختلاف حساب پیدا کردم. آنها ادعا می‌کردند از من طلبکارند، اما من حساب و کتاب را بررسی کردم و متوجه شدم هیچ بدهی به آنها ندارم. هر چقدر توضیح دادم، قبول نکردند تا اینکه ساعتی قبل سه مرد نقاب‌دار راه مرا سد کردند و می‌خواستند به زور مرا سوار خودرویشان کنند.» وی ادامه داد: «با آنها درگیر شدم و افراد زیادی دور ما جمع شدند که آدم‌ربانان مجبور شدند مرا راه و فرار کنند. زمانی که با آنها درگیر شده بودم فهمیدم آدم‌ربانان همان افرادی هستند که ادعا دارند از من طلبکارند. آنها نقشه کشیده بودند مرا بربایند و به مخفیگاهشان ببرند و در آنجا از من سند سفید امضا بگیرند و از این طریق به پولی که می‌خواستند برسند، اما آدم‌ربایی‌شان ناکام ماند و از محل گریختند. الان از آنها به اتهام آدم‌ربایی شکایت دارم.» با شکایت مرد میانسال، پرونده به دستور قاضی عظیم سهرابی برای بررسی در اختیار تیمی از مأموران پلیس آگاهی قرار گرفت. مأموران با بررسی دوربین‌های مدار بسته در یافتند که روز حادثه، مرد میانسال داخل یکی از خیابان‌ها پیاده که سه مرد جوان، در حالی که صورت‌هایشان را پوشانده بودند از یک خودروی بزرگ‌بیرن آمدند و تلاش کردند با تهدید و زور او اسوار خودرو کنند، اما وقتی متوجه حضور مردم شدند، او را رها و از محل فرار کردند. تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

■ غلامرضا مسکنی

قتل مرد ۴۰ ساله در جنوب تهران با تماسی ساده آغاز شد؛ زنی که ابتدا مرگ همسرش را «سکته» اعلام کرده بود، خیلی زود در برابر حقیقت شلیک مرگبار تسلیم شد و اعتراف کرد که شوهرش را به دلیل اصرار او برای پسردار شدن پس از تولد چهارم‌پسر دخترشان به قتل رسانده‌است.

صبح روز پنج‌شنبه ۱۳ آذرماه، قاضی محسن اختیاری با تماس تلفنی مأموران کلانتری در جنوب تهران از قتل مرد جوانی در خانه‌اش باخبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

■ کشف جسد

تیم جنایی در محل حادثه و در اتاق خواب با جسد مرد ۴۰ ساله‌ای به نام کیوان روبه‌رو شد که با شلیک گلوله‌ای به شقیقه‌اش به قتل رسیده بود. به گفته مأموران، لحناتی قبل زن جوانی با اداره پلیس تماس می‌گیرد و اعلام می‌کند همسرش در خانه سکنه کرده‌است، اما وقتی مأموران به محل حادثه می‌رسند، در تن پیمایی جسد متوجه می‌شوند مرد جوان با شلیک گلوله به سرش به قتل رسیده‌است.

■ اعتراف اولیه زن جوان

زن جوان که ابتدا ادعا می‌کرد همسرش سکنه کرده‌است، وقتی پزشکی قانونی در صحنه حادثه علت اصلی مرگ را شلیک گلوله اعلام کرد، به قتل شوهرش اعتراف کرد، اما دلایل و بررسی‌های فنی حکایت از آن داشت که وی قاتل نیست و قتل را فرد دیگری مرتکب شده‌است.

■ ادعای کبری درباره قتل

متهم در ادعایی گفت: «دخترانم را صبح به مدرسه بردم و ساعتی بعد وقتی به خانه برگشتم با همسرم بحث‌مان شد که او را با شلیک گلوله به قتل رساندم. پس از حادثه ترسیدم و

گفت‌وگو با متهم

دختر از ابودم

کبری ۳۶ ساله ادعا می‌کند که از سال‌ها قبل با شوهرش اختلاف داشته‌است. او می‌گوید شوهرش همیشه دوست داشته پسر دار شود، اما او چهار شکم‌دختر زاییده و همسرم موضوع باعث شده میان‌شان اختلاف بوجود بیاید. کبری می‌گوید به دلیل اینکه «دخترها زاده بود»، رفتار شوهرش با او تغییر کرده و در نهایت پس از ۱۵ سال زندگی مشترک، این اختلاف‌ها به جایی رسیده که او شوهرش را به قتل رسانده‌است.

چه شد که برای قتل شوهرت آزاد را اجیر کردی؟

من با آزاد ارتباط داشتم، اما خودم قتل را انجام دادم.

شما که شوهر داشتی، چرا

حوادث

سرویس حوادث ۸۵۲۳۰۶۰

متهم: شوهرم پسر می‌خواست، کشتمش!



می‌خواستیم مأموران را فریب بدهم، اما وقتی دیدم دستم رو شده تصمیم گرفتم اعتراف کنم.»

■ **کشف پازل اصلی: نقش آزاد ۱۹ ساله**

در حالی که زن جوان ادعا می‌کرد قاتل است، تیم جنایی با کنار هم قرار دادن پازل‌های حادثه، دریافت قاتل مرد ۱۹ ساله‌ای به نام آزاد است. براساس گفته پزشکی قانونی، قتل زمانی رخ داده که زن جوان برای بردن فرزندانش به مدرسه از خانه خارج شده‌است. در بررسی فنی مشخص شد کبری مدتی است با آزاد ارتباط مخفیانه دارد و ساعتی پس از حادثه نیز وی ۵۰ میلیون تومان به عنوان دستمزد به حساب آزاد واریز کرده‌است. مأموران در ادامه متوجه شدند زن جوان زمانی که از خانه خارج می‌شود، کلید خانه را در اختیار آزاد قرار می‌دهد و او هم پس از قتل با خودروی پژوی مقتول فرار می‌کند.

■ **تکرار ادعای قبلی**

با به دست آمدن این اطلاعات، کبری برای ادامه تحقیقات به دستور بازپرس جنایی به پلیس آگاهی منتقل شد و آزاد هم به عنوان مظنون به قتل تحت تعقیب قرار گرفت. صبح دپروز، متهم به دادسرای امور جنایی منتقل شد و در حالی که همه شواهد و دلایل حکایت از آن دارد که پسر مورد علاقه‌اش قاتل است، اما کبری در بازجویی‌ها دوباره همان ادعای قبلی را تکرار کرد و گفت خودش به خاطر اختلافاتی که داشته، شوهرش را به قتل رسانده‌است.

■ **مظنون تحت تعقیب**

در ادامه متهم برای تحقیقات بیشتر و روشن شدن صحت و سقم ادعایش در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت و پلیس همچنان در تلاش است تا مخفیگاه آزاد را شناسایی کند و وی را دستگیر و زوایای پنهان قتل را فاش کند.

۳ ساله هستند، دنیا آوردم. به او گفته بودم پسر و دختر دست من نیست، اما ناراحت بود و همیشه با من درگیر می‌شد و کتکم می‌زد. از رفتارش عصبانی بودم، اما مهم‌تر از همه این بود که به من خیانت می‌کرد و این برایم قابل تحمل نبود.

چطور با آزاد آشنا شدی؟ کارم پرستاری از بیماران است و معمولاً روزی یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بابت پرستاری می‌گیرم. مادر آزاد بیمار شده‌بود و من در بیمارستان مراقب یک بیمار دیگر در همان اتاق بودم. آزاد چند بار برای ملاقات مادرش آمد و همانجا با هم آشنا شدیم. ابتدا با او درددل می‌کردم و از بد رفتاری‌های شوهرم می‌گفتم، او هم به من توجه می‌کرد و کم‌کم با هم دوست شدیم.

شوهرت با تو بد رفتاری می‌کرد؟ شوهرم دوست داشت من برایش پسر به دنیا بیاورم، اما چهار دختر که الان ۷، ۸، ۱۴ و

۳ ساله هستند، دنیا آوردم. به او گفته بودم

پسر و دختر دست من نیست، اما ناراحت بود و همیشه با من درگیر می‌شد و کتکم می‌زد. از رفتارش عصبانی بودم، اما مهم‌تر از همه این بود که به من خیانت می‌کرد و این برایم قابل تحمل نبود. **چطور با آزاد آشنا شدی؟** کارم پرستاری از بیماران است و معمولاً روزی یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بابت پرستاری می‌گیرم. مادر آزاد بیمار شده‌بود و من در بیمارستان مراقب یک بیمار دیگر در همان اتاق بودم. آزاد چند بار برای ملاقات مادرش آمد و همانجا با هم آشنا شدیم. ابتدا با او درددل می‌کردم و از بد رفتاری‌های شوهرم می‌گفتم، او هم به من توجه می‌کرد و کم‌کم با هم دوست شدیم. **شوهرت با تو بد رفتاری می‌کرد؟** شوهرم دوست داشت من برایش پسر به دنیا بیاورم، اما چهار دختر که الان ۷، ۸، ۱۴ و

۳ ساله هستند، دنیا آوردم. به او گفته بودم

پسر و دختر دست من نیست، اما ناراحت بود و همیشه با من درگیر می‌شد و کتکم می‌زد. از رفتارش عصبانی بودم، اما مهم‌تر از همه این بود که به من خیانت می‌کرد و این برایم قابل تحمل نبود.

چطور با آزاد آشنا شدی؟ کارم پرستاری از بیماران است و معمولاً روزی یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بابت پرستاری می‌گیرم. مادر آزاد بیمار شده‌بود و من در بیمارستان مراقب یک بیمار دیگر در همان اتاق بودم. آزاد چند بار برای ملاقات مادرش آمد و همانجا با هم آشنا شدیم. ابتدا با او درددل می‌کردم و از بد رفتاری‌های شوهرم می‌گفتم، او هم به من توجه می‌کرد و کم‌کم با هم دوست شدیم.

شوهرت با تو بد رفتاری می‌کرد؟ شوهرم دوست داشت من برایش پسر به دنیا بیاورم، اما چهار دختر که الان ۷، ۸، ۱۴ و

۳ ساله هستند، دنیا آوردم. به او گفته بودم

پسر و دختر دست من نیست، اما ناراحت بود و همیشه با من درگیر می‌شد و کتکم می‌زد. از رفتارش عصبانی بودم، اما مهم‌تر از همه این بود که به من خیانت می‌کرد و این برایم قابل تحمل نبود.

چطور با آزاد آشنا شدی؟ کارم پرستاری از بیماران است و معمولاً روزی یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بابت پرستاری می‌گیرم. مادر آزاد بیمار شده‌بود و من در بیمارستان مراقب یک بیمار دیگر در همان اتاق بودم. آزاد چند بار برای ملاقات مادرش آمد و همانجا با هم آشنا شدیم. ابتدا با او درددل می‌کردم و از بد رفتاری‌های شوهرم می‌گفتم، او هم به من توجه می‌کرد و کم‌کم با هم دوست شدیم.

شوهرت با تو بد رفتاری می‌کرد؟ شوهرم دوست داشت من برایش پسر به دنیا بیاورم، اما چهار دختر که الان ۷، ۸، ۱۴ و

۳ ساله هستند، دنیا آوردم. به او گفته بودم

پسر و دختر دست من نیست، اما ناراحت بود و همیشه با من درگیر می‌شد و کتکم می‌زد. از رفتارش عصبانی بودم، اما مهم‌تر از همه این بود که به من خیانت می‌کرد و این برایم قابل تحمل نبود.

چطور با آزاد آشنا شدی؟ کارم پرستاری از بیماران است و معمولاً روزی یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بابت پرستاری می‌گیرم. مادر آزاد بیمار شده‌بود و من در بیمارستان مراقب یک بیمار دیگر در همان اتاق بودم. آزاد چند بار برای ملاقات مادرش آمد و همانجا با هم آشنا شدیم. ابتدا با او درددل می‌کردم و از بد رفتاری‌های شوهرم می‌گفتم، او هم به من توجه می‌کرد و کم‌کم با هم دوست شدیم.

شوهرت با تو بد رفتاری می‌کرد؟ شوهرم دوست داشت من برایش پسر به دنیا بیاورم، اما چهار دختر که الان ۷، ۸، ۱۴ و

۳ ساله هستند، دنیا آوردم. به او گفته بودم

پسر و دختر دست من نیست، اما ناراحت بود و همیشه با من درگیر می‌شد و کتکم می‌زد. از رفتارش عصبانی بودم، اما مهم‌تر از همه این بود که به من خیانت می‌کرد و این برایم قابل تحمل نبود.

چطور با آزاد آشنا شدی؟ کارم پرستاری از بیماران است و معمولاً روزی یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بابت پرستاری می‌گیرم. مادر آزاد بیمار شده‌بود و من در بیمارستان مراقب یک بیمار دیگر در همان اتاق بودم. آزاد چند بار برای ملاقات مادرش آمد و همانجا با هم آشنا شدیم. ابتدا با او درددل می‌کردم و از بد رفتاری‌های شوهرم می‌گفتم، او هم به من توجه می‌کرد و کم‌کم با هم دوست شدیم.

شوهرت با تو بد رفتاری می‌کرد؟ شوهرم دوست داشت من برایش پسر به دنیا بیاورم، اما چهار دختر که الان ۷، ۸، ۱۴ و

۳ ساله هستند، دنیا آوردم. به او گفته بودم

پسر و دختر دست من نیست، اما ناراحت بود و همیشه با من درگیر می‌شد و کتکم می‌زد. از رفتارش عصبانی بودم، اما مهم‌تر از همه این بود که به من خیانت می‌کرد و این برایم قابل تحمل نبود.

چطور با آزاد آشنا شدی؟ کارم پرستاری از بیماران است و معمولاً روزی یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بابت پرستاری می‌گیرم. مادر آزاد بیمار شده‌بود و من در بیمارستان مراقب یک بیمار دیگر در همان اتاق بودم. آزاد چند بار برای ملاقات مادرش آمد و همانجا با هم آشنا شدیم. ابتدا با او درددل می‌کردم و از بد رفتاری‌های شوهرم می‌گفتم، او هم به من توجه می‌کرد و کم‌کم با هم دوست شدیم.

شوهرت با تو بد رفتاری می‌کرد؟ شوهرم دوست داشت من برایش پسر به دنیا بیاورم، اما چهار دختر که الان ۷، ۸، ۱۴ و

۳ ساله هستند، دنیا آوردم. به او گفته بودم

پسر و دختر دست من نیست، اما ناراحت بود و همیشه با من درگیر می‌شد و کتکم می‌زد. از رفتارش عصبانی بودم، اما مهم‌تر از همه این بود که به من خیانت می‌کرد و این برایم قابل تحمل نبود.

چطور با آزاد آشنا شدی؟ کارم پرستاری از بیماران است و معمولاً روزی یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بابت پرستاری می‌گیرم. مادر آزاد بیمار شده‌بود و من در بیمارستان مراقب یک بیمار دیگر در همان اتاق بودم. آزاد چند بار برای ملاقات مادرش آمد و همانجا با هم آشنا شدیم. ابتدا با او درددل می‌کردم و از بد رفتاری‌های شوهرم می‌گفتم، او هم به من توجه می‌کرد و کم‌کم با هم دوست شدیم.

شوهرت با تو بد رفتاری می‌کرد؟ شوهرم دوست داشت من برایش پسر به دنیا بیاورم، اما چهار دختر که الان ۷، ۸، ۱۴ و

۳ ساله هستند، دنیا آوردم. به او گفته بودم

پسر و دختر دست من نیست، اما ناراحت بود و همیشه با من درگیر می‌شد و کتکم می‌زد. از رفتارش عصبانی بودم، اما مهم‌تر از همه این بود که به من خیانت می‌کرد و این برایم قابل تحمل نبود.

چطور با آزاد آشنا شدی؟ کارم پرستاری از بیماران است و معمولاً روزی یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بابت پرستاری می‌گیرم. مادر آزاد بیمار شده‌بود و من در بیمارستان مراقب یک بیمار دیگر در همان اتاق بودم. آزاد چند بار برای ملاقات مادرش آمد و همانجا با هم آشنا شدیم. ابتدا با او درددل می‌کردم و از بد رفتاری‌های شوهرم می‌گفتم، او هم به من توجه می‌کرد و کم‌کم با هم دوست شدیم.

شوهرت با تو بد رفتاری می‌کرد؟ شوهرم دوست داشت من برایش پسر به دنیا بیاورم، اما چهار دختر که الان ۷، ۸، ۱۴ و

۳ ساله هستند، دنیا آوردم. به او گفته بودم

پسر و دختر دست من نیست، اما ناراحت بود و همیشه با من درگیر می‌شد و کتکم می‌زد. از رفتارش عصبانی بودم، اما مهم‌تر از همه این بود که به من خیانت می‌کرد و این برایم قابل تحمل نبود.

چطور با آزاد آشنا شدی؟ کارم پرستاری از بیماران است و معمولاً روزی یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بابت پرستاری می‌گیرم. مادر آزاد بیمار شده‌بود و من در بیمارستان مراقب یک بیمار دیگر در همان اتاق بودم. آزاد چند بار برای ملاقات مادرش آمد و همانجا با هم آشنا شدیم. ابتدا با او درددل می‌کردم و از بد رفتاری‌های شوهرم می‌گفتم، او هم به من توجه می‌کرد و کم‌کم با هم دوست شدیم.

شوهرت با تو بد رفتاری می‌کرد؟ شوهرم دوست داشت من برایش پسر به دنیا بیاورم، اما چهار دختر که الان ۷، ۸، ۱۴ و

۳ ساله هستند، دنیا آوردم. به او گفته بودم

پسر و دختر دست من نیست، اما ناراحت بود و همیشه با من درگیر می‌شد و کتکم می‌زد. از رفتارش عصبانی بودم، اما مهم‌تر از همه این بود که به من خیانت می‌کرد و این برایم قابل تحمل نبود.

چطور با آزاد آشنا شدی؟ کارم پرستاری از بیماران است و معمولاً روزی یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بابت پرستاری می‌گیرم. مادر آزاد بیمار شده‌بود و من در بیمارستان مراقب یک بیمار دیگر در همان اتاق بودم. آزاد چند بار برای ملاقات مادرش آمد و همانجا با هم آشنا شدیم. ابتدا با او درددل می‌کردم و از بد رفتاری‌های شوهرم می‌گفتم، او هم به من توجه می‌کرد و کم‌کم با هم دوست شدیم.

شوهرت با تو بد رفتاری می‌کرد؟ شوهرم دوست داشت من برایش پسر به دنیا بیاورم، اما چهار دختر که الان ۷، ۸، ۱۴ و

۳ ساله هستند، دنیا آوردم. به او گفته بودم

پسر و دختر دست من نیست، اما ناراحت بود و همیشه با من درگیر می‌شد و کتکم می‌زد. از رفتارش عصبانی بودم، اما مهم‌تر از همه این بود که به من خیانت می‌کرد و این برایم قابل تحمل نبود.

چطور با آزاد آشنا شدی؟ کارم پرستاری از بیماران است و معمولاً روزی یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بابت پرستاری می‌گیرم. مادر آزاد بیمار شده‌بود و من در بیمارستان مراقب یک بیمار دیگر در همان اتاق بودم. آزاد چند بار برای ملاقات مادرش آمد و همانجا با هم آشنا شدیم. ابتدا با او درددل می‌کردم و از بد رفتاری‌های شوهرم می‌گفتم، او هم به من توجه می‌کرد و کم‌کم با هم دوست شدیم.

شوهرت با تو بد رفتاری می‌کرد؟ شوهرم دوست داشت من برایش پسر به دنیا بیاورم، اما چهار دختر که الان ۷، ۸، ۱۴ و

۳ ساله هستند، دنیا آوردم. به او گفته بودم

پسر و دختر دست من نیست، اما ناراحت بود و همیشه با من درگیر می‌شد و کتکم می‌زد. از رفتارش عصبانی بودم، اما مهم‌تر از همه این بود که به من خیانت می‌کرد و این برایم قابل تحمل نبود.

چطور با آزاد آشنا شدی؟ کارم پرستاری از بیماران است و معمولاً روزی یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بابت پرستاری می‌گیرم. مادر آزاد بیمار شده‌بود و من در بیمارستان مراقب یک بیمار دیگر در همان اتاق بودم. آزاد چند بار برای ملاقات مادرش آمد و همانجا با هم آشنا شدیم. ابتدا با او درددل می‌کردم و از بد رفتاری‌های شوهرم می‌گفتم، او هم به من توجه می‌کرد و کم‌کم با هم دوست شدیم.

شوهرت با تو بد رفتاری می‌کرد؟ شوهرم دوست داشت من برایش پسر به دنیا بیاورم، اما چهار دختر که الان ۷، ۸، ۱۴ و

۳ ساله هستند، دنیا آوردم. به او گفته بودم

پسر و دختر دست من نیست، اما ناراحت بود و همیشه با من درگیر می‌شد و کتکم می‌زد. از رفتارش عصبانی بودم، اما مهم‌تر از همه این بود که به من خیانت می‌کرد و این برایم قابل تحمل نبود.

چطور با آزاد آشنا شدی؟ کارم پرستاری از بیماران است و معمولاً روزی یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بابت پرستاری می‌گیرم. مادر آزاد بیمار شده‌بود و من در بیمارستان مراقب یک بیمار دیگر در همان اتاق بودم. آزاد چند بار برای ملاقات مادرش آمد و همانجا با هم آشنا شدیم. ابتدا با او درددل می‌کردم و از بد رفتاری‌های شوهرم می‌گفتم، او هم به من توجه می‌کرد و کم‌کم با هم دوست شدیم.

شوهرت با تو بد رفتاری می‌کرد؟ شوهرم دوست داشت من برایش پسر به دنیا بیاورم، اما چهار دختر که الان ۷، ۸، ۱۴ و

۳ ساله هستند، دنیا آوردم. به او گفته بودم

پسر و دختر دست من نیست، اما ناراحت بود و همیشه با من درگیر می‌شد و کتکم می‌زد. از رفتارش عصبانی بودم، اما مهم‌تر از همه این بود که به من خیانت می‌کرد و این برایم قابل تحمل نبود.

چطور با آزاد آشنا شدی؟ کارم پرستاری از بیماران است و معمولاً روزی یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بابت پرستاری می‌گیرم. مادر آزاد بیمار شده‌بود و من در بیمارستان مراقب یک بیمار دیگر در همان اتاق بودم. آزاد چند بار برای ملاقات مادرش آمد و همانجا با هم آشنا شدیم. ابتدا با او درددل می‌کردم و از بد رفتاری‌های شوهرم می‌گفتم، او هم به من توجه می‌کرد و کم‌کم با هم دوست شدیم.

شوهرت با تو بد رفتاری می‌کرد؟ شوهرم دوست داشت من برایش پسر به دنیا بیاورم، اما چهار دختر که الان ۷، ۸، ۱۴ و

۳ ساله هستند، دنیا آوردم. به او گفته بودم

پسر و دختر دست من نیست، اما ناراحت بود و همیشه با من درگیر می‌شد و کتکم می‌زد. از رفتارش عصبانی بودم، اما مهم‌تر از همه این بود که به من خیانت می‌کرد و این برایم قابل تحمل نبود.

چطور با آزاد آشنا شدی؟ کارم پرستاری از بیماران است و معمولاً روزی یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بابت پرستاری می‌گیرم. مادر آزاد بیمار شده‌بود و من در بیمارستان مراقب یک بیمار دیگر در همان اتاق بودم. آزاد چند بار برای ملاقات مادرش آمد و همانجا با هم آشنا شدیم. ابتدا با او درددل می‌کردم و از بد رفتاری‌های شوهرم می‌گفتم، او هم به من توجه می‌کرد و کم‌کم با هم دوست شدیم.

شوهرت با تو بد رفتاری می‌کرد؟ شوهرم دوست داشت من برایش پسر به دنیا بیاورم، اما چهار دختر که الان ۷، ۸، ۱۴ و

۳ ساله هستند، دنیا آوردم. به او گفته بودم

پسر و دختر دست من نیست، اما ناراحت بود و همیشه با من درگیر می‌شد و کتکم می‌زد. از رفتارش عصبانی بودم، اما مهم‌تر از همه این بود که به من خیانت می‌کرد و این برایم قابل تحمل نبود.

چطور با آزاد آشنا شدی؟ کارم پرستاری از بیماران است و معمولاً روزی یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بابت پرستاری می‌گیرم. مادر آزاد بیمار شده‌بود و من در بیمارستان مراقب یک بیمار دیگر در همان اتاق بودم. آزاد چند بار برای ملاقات مادرش آمد و همانجا با هم آشنا شدیم. ابتدا با او درددل می‌کردم و از بد رفتاری‌های شوهرم می‌گفتم، او هم به من توجه می‌کرد و کم‌کم با هم دوست شدیم.

شوهرت با تو بد رفتاری می‌کرد؟ شوهرم دوست داشت من برایش پسر به دنیا بیاورم، اما چهار دختر که الان ۷، ۸، ۱۴ و

۳ ساله هستند، دنیا آوردم. به او گفته بودم

پسر و دختر دست من نیست، اما ناراحت بود و همیشه با من درگیر می‌شد و کتکم می‌زد. از رفتارش عصبانی بودم، اما مهم‌تر از همه این بود که به من خیانت می‌کرد و این برایم قابل تحمل نبود.

چطور با آزاد آشنا شدی؟ کارم پرستاری از بیماران است و معمولاً روزی یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بابت پرستاری می‌گیرم. مادر آزاد بیمار شده‌بود و من در بیمارستان مراقب یک بیمار دیگر در همان اتاق بودم. آزاد چند بار برای ملاقات مادرش آمد و همانجا با هم آشنا شدیم. ابتدا با او درددل می‌کردم و از بد رفتاری‌های شوهرم می‌گفتم، او هم به من توجه می‌کرد و کم‌کم با هم دوست شدیم.

شوهرت با تو بد رفتاری می‌کرد؟ شوهرم دوست داشت من برایش پسر به دنیا بیاورم، اما چهار دختر که الان ۷، ۸، ۱۴ و

۳ ساله هستند، دنیا آوردم. به او گفته بودم

پسر و دختر دست من نیست، اما ناراحت بود و همیشه با من درگیر می‌شد و کتکم می‌زد. از رفتارش عصبانی بودم، اما مهم‌تر از همه این بود که به من خیانت می‌کرد و این برایم قابل تحمل نبود.

چطور با آزاد آشنا شدی؟ کارم پرستاری از بیماران است و معمولاً روزی یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بابت پرستاری می‌گیرم. مادر آزاد بیمار شده‌بود و من در بیمارستان مراقب یک بیمار دیگر در همان اتاق بودم. آزاد چند بار برای ملاقات مادرش آمد و همانجا با هم آشنا شدیم. ابتدا با او درددل می‌کردم و از بد رفتاری‌های شوهرم می‌گفتم، او هم به من توجه می‌کرد و کم‌کم با هم دوست شدیم.

شوهرت با تو بد رفتاری می‌کرد؟ شوهرم دوست داشت من برایش پسر به دنیا بیاورم، اما چهار دختر که الان ۷، ۸، ۱۴ و

۳ ساله هستند، دنیا آوردم. به او گفته بودم

پسر و دختر دست من نیست، اما ناراحت بود و همیشه با من درگیر می‌شد و کتکم می‌زد. از رفتارش عصبانی بودم، اما مهم‌تر از همه این بود که به من خیانت می‌کرد و این برایم قابل تحمل نبود.

چطور با آزاد آشنا شدی؟ کارم پرستاری از بیماران است و معمولاً روزی یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بابت پرستاری می‌گیرم. مادر آزاد بیمار شده‌بود و من در بیمارستان مراقب یک بیمار دیگر در همان اتاق بودم. آزاد چند بار برای ملاقات مادرش آمد و همانجا با هم آشنا شدیم. ابتدا با او درددل می‌کردم و از بد رفتاری‌های شوهرم می‌گفتم، او هم به من توجه می‌کرد و کم‌کم با هم دوست شدیم.

شوهرت با تو بد رفتاری می‌کرد؟ شوهرم دوست داشت من برایش پسر به دنیا بیاورم، اما چهار دختر که الان ۷، ۸، ۱۴ و

۳ ساله هستند، دنیا آوردم. به او گفته بودم